



شیخ طوسی، مؤسس بزرگترین مرکز تشیع در نجف

شیخ طوسی عالم بزرگ اسلامی از شخصیت هایی است که به برکت تعلیمات اسلامی پا بر روی تعصبات قومی و نژادی گذاشت، شعوبی گری ها را محکوم، مقیاس های جهانی و انسانی اسلام را تبیین و بزرگترین مرکز تشیع را در نجف تأسیس کرد.

شیخ طوسی عالم بزرگ اسلامی از شخصیت هایی است که به برکت تعلیمات اسلامی پا بر روی تعصبات قومی و نژادی گذاشت، شعوبی گری ها را محکوم، مقیاس های جهانی و انسانی اسلام را تبیین و بزرگترین مرکز تشیع را در نجف تأسیس کرد.

به گزارش سرویس اندیشه خبرگزاری رسا، شیخ بزرگوار ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی یکی از درخشانترین ستارگان جهان اسلام است، شیخ طوسی نمونه کاملی است از تجلی اسلامی در کالبد ایرانی، از زندگی امثال شیخ طوسی می توان کاملاً پی برد که معنویت اسلام تا چه اندازه در اعماق روح مردم این مرز و بوم نفوذ کرده است تا آنجا که افرادی مانند طوسی سراسر زندگی خود را وقف خدمت به این دین کرده و دمی نیاسوده اند و تا آخرین نفس باز نایستاده اند.

فقیه بزرگوار، محدث کبیر، مفسر نامی، دانشمند پرآوازه، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی، معروف به شیخ الطائفه، شیخ اعظم و شیخ طوسی در ماه مبارک رمضان سال 385 قمری در جوار مرقد حضرت امام علی بن موسی الرضا(ع) در طوس به دنیا آمد و دوران کودکی، جوانی و تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود یعنی طوس سپری کرد.(1)

جغرافیای مذهبی شیعه امامیه

خصیصه مهم سده چهارم هجری، از حیث جریان های مذهبی، رشد و گسترش تشیع و فرقه های متعدد آن بود. خوارزمی در یکی از نامه های خود که در آن از موقعیت و وضعیت شیعه سخن رانده، عراق را از خاستگاه های نخستین تشیع امامیه دانسته اند.(2)

کوفه از آغاز بنای خود، مامن دوستداران علی علیه السلام و شیعیان امامیه به شمار می رفت(3). در سده چهارم، دامنه گسترش شیعه حتی به شهر بصره هم رسید، بصره در روزگاری که کوفه شیعه نشین بود، هواخواهان متعصب عثمان را داشت که کسی را یارای مقابله با باورهای آن ها نبود.

اما شیعیان به تدریج در بصره هم رخنه کردند(4) و به سخن ناصر خسرو در سده پنجم هجری «در بصره به نام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب - صلوات الله علیه - سیزده مشهد» بود و در جامع بصره چوبی بود که «درازی آن سی ارش بود و غلیظی آن پنج شبر و چهار انگشت بود و یک سر آن غلیظتر بود و از چوب های هندوستان بود. گفتند که امیرالمؤمنین علیه السلام آن چوب برابر گرفته است و آن جا آورده است.»(5) و باز بنا به سخن ناصر خسرو و مقدسی، شهرهای عمان، هجر، قطیف و صعده در یمن، شیعه نشین بودند و در اهواز نیز نیمی از اهالی مذهب شیعه داشتند(6). در جزیره ابن عمر هم تعدادی شیعه زندگی می کردند.(7)

هجرت به بغداد

شیخ طوسی در بیست و سه سالگی(408قمری) به منظور استفاده از محضر استادان بزرگ آن دوره همانند شیخ مفید و سید مرتضی، طوس را به مقصد بغداد ترک کرد. او در مدت پنج سالی که افتخار شاگردی شیخ را داشت، مورد توجه استاد قرار گرفت. پس از رحلت شیخ مفید، در سال 413 قمری، شیخ طوسی در محضر درس برجسته ترین شاگرد شیخ مفید، یعنی سید مرتضی که ریاست علمی و زعامت دینی شیعه به وی منتقل شده بود، حاضر گردید.

وی از آن زمان تا سال 436 قمری یعنی حدود 23 سال، از دانش بیکران سید مرتضی، در علومی چون کلام، تفسیر، لغت و علوم ادبی، فقه، اصول فقه و... بهره برد.

با توجه به نبوغ فکری و استعداد شگفت مرحوم شیخ طوسی و تلاش و کوشش فراوان، ایشان توانست مدارج علمی عصر خود را یکی پس از دیگری پشت سر نهاده و در دوران جوانی به درجه اجتهاد برسد. و کتاب تهذیب الاحکام را در این دوره و با پیشنهاد استادش، شیخ مفید تألیف کرد(8) او در اندک زمان، به یکی از ارکان حوزه درسی شهر بغداد تبدیل شد و بعد از اساتید به نام خود، یعنی شیخ مفید و سیدمرتضی، یکه تاز میدان علم و عمل گردید.

عظمت و مقام علمی کم نظیر شیخ طوسی باعث شد تا مدت طولانی، فقهای شیعه را تحت تأثیر دیدگاه های خود قرار دهد. آنان تا یکصد سال بعد از وفات شیخ، مقلد ایشان بودند و بر اساس نظرات او فتوا می دادند.

هجرت به نجف

در نیمه اول قرن پنجم قمری، طغرل بیک سلجوقی که سنی متعصبی بود، تصمیم گرفت بغداد را اشغال و خاندان آل بویه را منقرض سازد. در سال (420ه) در واسط و بغداد در ایام ماه محرم به خانه های شیعیان هجوم برده و آن ها را به آتش کشیدند. تقریباً همه ساله در ایام ماه محرم و عید غدیر، شورش ها و درگیری هایی بین شیعیان و سنیان رخ می داد و تلفاتی از طرفین می گرفت.

در سال 422ه قنده عظیمی بین آن ها برخاست که به دنبال آن محله کرخ بغداد طعمه آتش شد و خانه های آن به غارت رفت و تشویش و وحشت بر سرتاسر بغداد مستولی گشت. چند سال بعد هم عیاران و باطل پیشگان وارد معرکه شدند و اختلافات فریقین ابعاد تازه ای یافت(9). تاجایی که بغداد به مدت نزدیک به چهل سال مدام دستخوش جنگ های فرقه ای و مناقشات مذهبی بود.

در این ایام افرادی از حکمرانان و خاصه امیرالامراها و یا صاحبان شرطه، گاه برای جلوگیری از این برخوردها، فرامین شداد و غلاظ صادر می کردند ولی در عمل، چندان توفیقی نمی یافتند. در یکی از این تهاجمات بود که خانه ابوجعفر طوسی (شیخ طوسی) در محله کرخ بغداد دستخوش غارت گردید (449ه) و تمامی کتاب ها و دفاتر و منبری که هنگام تدریس و وعظ و خطابه بالای آن می رفت چپاول و طعمه آتش شد.(10)

طغرل بیک تا سال 449 چندین بار کتاب های شیخ طوسی را در ملا عام سوزاند. این نابسامانی ها و آزار و اذیت شیعه باعث گردید که حوزه و مجامع علمی شیعه در بغداد از هم بپاشد و این مساله سبب هجرت شیخ به نجف اشرف گردید.

نجف در آن زمان محله بسیار کوچکی بود که عده ای از زوار حرم مطهر علوی در آن جا زندگی می کردند. ورود شیخ به نجف، زمینه ساز هجرت شاگردان وی و علمای اسلام به این شهر گردید. بعد از فروکش کردن خشم و طغیان جاهلان، شیخ در نجف اشرف حوزه علمیه ای تاسیس نموده که بزرگترین حوزه علمیه در میان شیعیان گردید.

وی پایان عمر شریف خود در نجف، زندگی کرد و آثار علمی گرانبهایی از خود به یادگار گذاشت.

ابعاد علمی

از گزیده گفتار بزرگان و فرزندگان علم و دانش می توان اجمالا به جنبه های علمی چشمه جوشان و ملامال فضل و دانش وجود او پی برد. خورشید تابناک او بیش از هزار سال است که بر جای جای حوزه های تشیع پرتو افکنده و دانش پژوهان و اندیشمندان بیشماری را از نور آثار پر مغز و گران سنگ خود بهره مند ساخته است.

وی در تمام علوم اسلامی و قرآنی، در فقه و اصول و کلام و رجال و حدیث و تفسیر و ادبیات، متبحر و صاحب نظر بود. بحث درباره شخصیت شیخ الطائفه و ابعاد علمی وی، از توان این رساله کوتاه بیرون و نیازمند کتابی کلان و محقق پر توان است؛ از اینرو تنها به اشاراتی گذرا بسنده می کنیم.

بعد فقهی

فقه شیعه در طول تاریخ، خیزشهای تکاملی و پویایی دو چاندانی را پشت سر نهاده است. جرقه این جهش در عصر شیخ مفید و سید مرتضی و به ویژه شیخ طوسی آغاز شد. وی با تألیف کتابهایی چون تهذیب و استبصار، مبسوط، نهایه و خلاف، صفحه زرینی در تاریخ فقه جعفری گشود. با تألیف کتاب خلاف، فقه تطبیقی و مقایسه ای را نوآوری کرد. تأثیر و نفوذ نظرات دقیق فقهی شیخ بدان حد رسید که تا صد سال پس از او هر فقیه و مجتهدی عملا مقلد او بود.

نخستین کسی که به خود جرئت ایستادگی در برابر وی داد و به نقد و ایراد نظرات شیخ پرداخت؛ نوه دختری او ابن ادریس حلی (598 ه). بود. حاجی نوری درباره این بعد علمی شیخ می گوید: «او نابغه و احیاگر علم فقه بود به طوری که تمام دانشمندان و فقیهان امامیه پس از او در دامن آثار و کتب او به اجتهاد و فقاها نائل آمدند و بیشترین استفاده را در احراز این مقام بلند علمی از تألیفات گران سنگ او بردند.» با دقت در این عبارات می توان به عظمت فقاها شیخ پی برد و بیان جان کلام، هرگز از عهده این قلم ناتوان و بنان ناتوان این بنده نادان برنیاید که تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.(11)

بعد اصولی

رواج اندیشه اخباریگری و نقل گرایی تا عصر شیخ حرکت پویایی اصول و فقه را کند و به ایستایی کشانده بود. شیخ با درک موقعیت خطیر، به مبارزه با این خط کهنه انحرافی پرداخت و کتاب عده الاصول را تألیف نمود. وی در مقدمه کتاب مبسوط، انگیزه تألیف را تضعیف این خط بر می خواند و می گوید: «من هنوز گفته های فقهای مخالفین را که فقه ما را تحقیر می کنند، می شنوم و مدتهاست که در فکر تألیف کتابی در فروع فقه هستم.

آچه بیشتر عزم مرا سست می کرد؛ این بود که اصحاب ما کمتر به این کار رغبت نشان می دادند، زیرا با متون اخبار و صریح الفاظ روایات، خو گرفته اند...» و حتی شیخ در تفسیر خود، با استناد به آیات، اندیشه اخباریگری را می کوبد و ذیل آیه «أفلا یتدبرون القرآن...» می گوید: «و نیز این آیه بر نادرستی گفتار ناآگاهان اصحاب حدیث گویایی دارد.»

همچنین در مقدمه عده الاصول، به انگیزه تألیف این کتاب اشاره و بر این خط انحرافی می تازد. از اینرو، شیخ طوسی- قدس الله نفسه الزکیه- پای به میدان اجتهاد نهاد و در مقدمه کتاب مذکور، خود را پیشگام نگارش چنین کتابی بر شمرد: «و آنان که در این زمینه دست به تألیف زده اند، هر یک بر اساس اصول و مبانی کلامی خود، قلم زده و تاکنون کسی از مذهب امامیه نیز در این باب کتابی ننوشته است.»

از جمله نظرات اصولی وی، عدم حجّیت اخبار واحد از غیر عدل امامی است و نیز در باب اجماع، حجّیت آن را بر اساس قاعده لطف معتقد است. کتاب عده الاصول از کهن‌ترین و معتبرترین منابع اصولی است که تاکنون مورد استفاده و استناد پژوهشگران و اصولیین بوده است.

بعد حدیثی

این جنبه شخصیت والای شیخ را با آشنایی دو اثر جاودانی تهذیب و استبصار می‌توان معرفی نمود. نزدیکی شیخ به زمان ائمه- علیهم السلام- و نواب خاصه و متون حقیقی حدیث، از امتیازات این دو کتاب است. شیخ طوسی در زمان شیخ مفید مأمور به شرح و بسط کتاب المقنعه شد و نام آن را «تهذیب الاحکام» گذارد.

تهذیب بر حسب شمارش حاجی نوری، متضمن 1359 حدیث است که در 393 باب و 21 کتاب تدوین شده است. 34 اثر گران سنگ استبصار نیز مشتمل بر 5511 حدیث می‌باشد که در 925 باب نظم یافته است. این دو کتاب ارزشمند و گرانبار، از کتب معتبر روایی، همتای کافی و من لا یحضر شناخته شد. شیخ با تألیف این دو، صحاح احادیث شیعه را در حصار کشید و آن دو را تکمیل نمود.

بعد کلامی

قرن چهارم و پنجم، آبستن مناظرات و گردهماییها، تألیف و نشر کتب کلامی و تفاسیر کلامی بوده است. مناظرات شیخ مفید با سران اشاعره و اعتزال و نگارش بیش از 50 اثر کلامی، همچنین تألیف کتاب شافی توسط سید مرتضی در ردّ کتاب المغنی عبد الجبار، از جمله شواهد مدّعی فوق است.

شیخ طوسی نیز به خاطر مقام والای علمی که احراز نموده بود؛ از سوی خلیفه، عهده‌دار کرسی کلام شد. وی بیش از 15 اثر کلامی از خود به جای گذارد که از همه مهمتر کتاب تلخیص الشافی اوست. تفسیر شریف تبیان که نظیر دو کتاب تهذیب و استبصار وی از آثار بسیار مهم اوست؛ دارای پرتوهای کلامی دقیقی است که مفسّر در آن با استناد به آیات، به اثبات حقانیت شیعه و ردّ و ابطال مخالفین، بویژه آراء اهل سنت و اشاعره پرداخته است. همچنین سه کتاب «شرح الجمل» و «المفصّح» در امامت و «الاقتصاد الهادی الی الطريق الرشاد» از دیگر آثار کلامی ارزشمند شیخ است که بعضاً به زیور طبع آراسته شده است.

بعد رجالی

اعتماد و وثوق به احادیث و روایات، در صورتی محقق است که سلسله اسناد، درست و راویان آنها موثوق و مورد اطمینان باشند؛ یعنی احتمال جعل و کذب درباره آنها نرود. در سه قرن نخست اسلام، چندان نیازی به گردآوری کتب رجال و تراجم احساس نمی‌شد.

لیکن در آغاز سده چهارم با گذشت زمان، خصوصیات رجال حدیث رو به تیرگی نهاد. دانشمندان امامیه. از جمله ابو عمرو عبد العزیز کشتی (369 ه) به تألیف کتاب رجال دست زدند و شیخ طوسی که اهمیت امر را درک می‌کرد، کتاب کشتی را تنقیح و تکمیل نمود. وی کتاب دیگری به نام «الابواب» یا رجال طوسی، گرد آورد. مرحوم آقا بزرگ تهرانی درباره این کتاب می‌گوید: «این کتاب اکنون یکی از منابع بزرگ رجالی مورد اعتماد دانشمندان ماست.»

سومین اثر رجالی وی، کتاب «الفهرست» اوست که در آن به شناسایی اصحاب کتب می‌پردازد. در این کتاب نام بیش از 400 مصنف شیعه ذکر شده است. مرحوم آقا بزرگ تهرانی، ذیل نام این کتاب می‌نویسد «این کتاب از آثار گرانقدر و جاودانی است که علماء امامیه از آن زمان تاکنون مورد استفاده و استناد خود قرار داده‌اند» ابو زهره عالم سنی معاصر، به عظمت شخصیت رجالی شیخ، اعتراف نموده و اثر وی را خدمتی بزرگ به جهان اسلام می‌خواند؛ بنابر این، شیخ علاوه بر پیشسازی و پیشوایی در فقه و اصول و حدیث، در رجال نیز گام مؤثری در پویایی تشیع برداشته است.

خط فکری شیخ طوسی پیرامون حکومت

شیخ طوسی ضرورت حکومت و نظام سیاسی و وجود رهبر را در رأس این نظام، بحثی عقلی دانسته و آن را با استمداد از دلایل و برهان‌های عقلی اثبات می‌کند. هرچند برخی تلاش دارند تا ضرورت آن را به طریق شرعی و نقلی ارائه نمایند، اما شیخ دلیل نقلی را تنها به عنوان مؤید می‌پذیرد. وی در کتاب «الاقتصاد الهادی» چنین می‌آورد:

وجوب و ضرورت عقلی حکومت و امامت را به جز امامیه و معتزله بغداد و برخی از متأخرین کس دیگری قائل نمی‌باشد، اما در نفس این استدلال دو روش گنجانده می‌شود: روش اول، این است که به ضرورت عقلی نظام سیاسی در اسلام پرداخته و از دلایل سمعی و نقلی وجوداً و عدماً صرف‌نظر کرده و بحثی به میان نیاوریم و روش و طریقت دوم، پرداختن به دلایل شرعی بر ضرورت امام و رهبر که ویژگی خاص وی در جهت حفظ شریعت و دین با دلیل و اعتبارات عقلی ثابت می‌گردد.

شیخ در تبیین موضع خود، «مردم را خطاپذیر و افعال و اعمال آنان را در معرض ترک وظایف و واجبات می‌داند. از نظر وی، رهبر و حاکمی که مشروعیت سیاسی (مقبولیت) داشته و مردم به اطاعت او گردن نهاده باشند مبسوط‌الید است و دشمنان ملت را از تجاوز بازداشته و به مجازات جنایتکاران می‌پردازد و کم خردان و سفیهان را در جامعه دستگیری کرده و داد ستم‌دیدگان و محرومین را از

ستم‌پیشگان می‌ستانند.

در نتیجه، جامعه به سوی صلاح و سعادت گام برمی‌دارد. اما در فقدان چنین رهبر و حاکمی، تباهی و فساد حاکم شده و اصلاح و سلامت جامعه رو به تقلیل خواهد رفت و در نتیجه، هرج و مرج و بی‌نظمی همه جا را فرا خواهد گرفت و جامعه به فساد گرایش خواهد یافت؛ به عبارت دیگر، شیخ بر اصل عام و رایجی تکیه دارد که تمامی اندیشمندان در حیطه ضرورت حکومت و نظام سیاسی بدان استدلال کرده و بر آن‌اند هرگاه نظام سیاسی بر جامعه و کشوری حاکم نباشد هرج و مرج و بی‌نظمی همه جا را فرا خواهد گرفت و هیچ انسان خردمندی آن را تحمل نخواهد کرد. (12)

وی در جای دیگر به شیوه استدلال متفاوتی تمسک جسته و می‌گوید:

به دلیل این‌که سلاویق و طبایع مردم مختلف بوده و هر فردی در پی جلب منافع و کسب لذائذ شخصی خویش است نیاز به حکومت و رهبری هم‌چنان باقی است. (13)

مجتهدی که مرجعیت همه مجتهدان را داشت

از خصوصیات شیخ طوسی آن است که تا مدت طولانی فقهای شیعه راتحت تاثیر آراء خود قرار داد، به طوریکه هیچ یک از فقهای جرات نیافتند که در برابر آراء فقهای شیخ، نظریات خود را ابراز نمایند. البته این مسائل باعث رکود تکامل فقهی دربره ای از زمان گردید، ولی بعدها با درخششی که برخی از فقهاء از نسل آن بزرگ فقیه نمودند، این سد شکسته گردید و آراء و نظریات فقهی جدید در عرصه زندگی مسلمانان طلوع و تجلی نمود و افکار و آراء جدید فقهی در عرصه زندگی مردم تابش نمود. و این یک حادثه تاریخی درک موقعیت شیخ طوسی را برای ما تسهیل می نماید.

در درک عظمت وی کافی است در نظر داشته باشیم که تا سالها بعد از وی با وجود انبوه دانشمندان شیعه، هیچ عالمی توفیق نیافت که شخصیت علمی و موقعیت او را تحت الشعاع خود قرار دهد.

در علوم کلامی و فلسفی و معقول و منقول، تا ظهور خواجه نصیر الدین طوسی (متوفی 672) و علامه بی مانند حسن بن یوسف مطهر حلی (متوفی 726)، هیچ کس یارای برابری با عقاید کلامی وی را نداشت. در تفسیر قرآن تاپیش از مجمع البیان امین الاسلام طبرسی (متوفی 548) هیچ کتاب تفسیری همتای «التبیان» او وجود نداشته است.

مجمع البیان نیز همچنانکه مؤلفش گوید، از دریای بی کران معارف تبیان اقتباس نموده و خوشه هایی چیده است، در فقه و اصول نیز تمام فقهای بعد از او، ناقل فتاوی وی بوده اند و به احترام فقاقت و دانش او از خود رای و نظری ابراز نمی داشتند تا اینکه محمد بن ادریس حلی (متوفی 598) برخاست و اجتهاد و مکتب فقهی شیعه را با جرات و تهور خاصی ازحالت رکود موجود و وضع کنواخت بیرون آورد.

اساتید

اساتید شیخ طوسی بسیارند، و برخی تا سی و هفت نفر ذکر کرده‌اند که مهمترین اساتید ایشان عبارتند از ابن الحاشر، ابن عبدون، ابن صلت اهوازی، ابن الغضائری، شیخ مفید، سید مرتضی، ابن صفار، ابوطالب بن غرور و قاضی ابوطیب حویری. (14)

شاگردان

تعداد شاگردان وی از فقها و مجتهدان و علمای شیعه، بیش از 300 نفر بود و در همان وقت چند صد نفر از علمای اهل سنت نیز نزد او تحصیل می‌کردند. برخی از شاگردان:

شهید شیخ محمد ابن فتال نیشابوری، شیخ حسن بن حسین بن بابویه قمی، شیخ حسین بن فتح واعظ جرجانی، شیخ حسن بن مظفر حمدانی، شیخ حسن بن مهدی سلیقی، سید ناصر بن رضا حسینی، شیخ ابو فتح محمد کراچکی، شیخ محمد بن علی طبری، شیخ منصور بن حسن آبی، شیخ بو خیر برکه اسدی، شیخ سعدالدین ابن براج و... (15)

تألیفات

آثار گرانبهای شیخ طوسی در همه علوم می‌باشد؛ حدیث، رجال، فقه، اصول، تفسیر و...؛ که فقط به برخی از کتب ایشان اشاره‌ای خواهیم داشت:

تهذیب الأحکام (در احادیث فقهی که از کتب اربعه شیعه است)؛ الإستبصار فیما اختلف من الأخبار (در احادیث فقهی که از کتب اربعه محسوب می‌شود)؛ کتاب الأمالی (که مطالب جلسات روایی اوست)؛ الأبواب؛ معروف به «رجال شیخ طوسی»؛ الفهرست؛ اختیار معرفة الرجال (که شیخ به حذف اشتباهات و اصلاح اصل کتاب «رجال کشی» اقدام کرد)؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ المسائل الدمشقی؟ فی تفسیر القرآن؛ المسائل الرجیبه فی تفسیر آیه من القرآن؛ النهایه فی مجرد الفقه و الفتوی؛ المبسوط فی الفقه؛ الجمل و العقود فی العبادات؛ الخلاف فی الأحکام (شیخ در این کتاب آراء علمای شیعه و مذاهب مختلف اهل سنت را در هر مسأله گردآوری کرده‌است)؛

الإیجاز فی الفرائض؛ مناسک الحج فی مجرد العمل؛ المسائل الحلبی؟ فی الفقه؛ المسائل الجنبلائی؟ فی الفقه؛ المسائل الحائری؟ فی الفقه؛ مسأله فی وجوب الجزی؟ علی اليهود و المنتمین إلی الجبابرة؛ مسأل؟ فی تحریم الفقاع؛ العدة فی الأصول؛ مسأل؟ فی العمل بخیر الواحد و بیان حجة الأخبار؛ تلخیص الشافعی فی الأم؟؛ تمهید الأصول؛ الإقتصاد الهادی إلی طریق الرشاد؛ المفصح فی الإمام؟؛ ما یعلل و ما لا یعلل؛ الغیبة «با توجه به نزدیکی زمان تولد مرحوم شیخ طوسی به زمان غیبت صغری حضرت ولی عصر(عج)، ایشان درباره شخصیت حضرت و شبهه‌های وارده، این کتاب را نگاشته است.»

این کتاب، یکی از محکم‌ترین و استدلالی‌ترین کتاب‌های شیعه درباره مسئله غیبت شمرده می‌شود؛ مصباح المتهجد و سلاح المتعبد؛ أنس الوحید؛ هدای؟ المسترشد و بصیرة المتعبد فی الأدعیه و العبادات؛ النهای؟ (رساله عملیه اوست)؛ عد؟ الأصول (در اصول فقه)؛ تلخیص الشافی «مباحث مربوط به امامت؛ این کتاب در واقع گزیده کتاب «الشافی» تألیف سید مرتضی است». (16)

شیخ طوسی صد در صد یک عالم اسلامی است جز رنگ اسلامی رنگ دیگری ندارد، او از کسانی است که از برکت تعلیمات اسلامی پا بر روی تعصبات قومی و نژادی گذاشتند، شعوبیگریها را محکوم کردند و مقیاسهای جهانی و انسانی اسلام را محترم شمردند. اکثریت قریب باتفاق دانشمندان بعد از اسلام چنین اند.

شیخ طوسی در شب دوشنبه 22 محرم سال 460 درگذشت و در نجفدر خانه خویش به خاک سپرده شد. بنا به وصیت وی، آن جا تبدیل به مسجد شد. این مسجد هم اکنون در قسمت شمال بقعه علوی، به نام مسجد طوسی معروف است. (17)

احمد حیوری

/704/9462م

منابع:

1. سید محن امین عاملی، اعیان الشیعه، ج 9، ص 159
2. ابوبکر خوارزمی، رسائل (استانبول، 1297ه) ص 49
3. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی (تهران شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، 1361) بخش اول، ص 174
4. همان، ص 175
5. ناصر خسرو، سفر نامه (برلین، 1341ه) ص 130-131
6. مقدسی، همان، بخش دوم، ص 620
7. همان، بخش اول، ص 200
8. میرزا محمد باقر خوانساری، روضات الجنات، ج 6، ص 23
9. ابن اثیر، همان، ج 9، ص 418-419
10. ابن جوزی، همان، ص 179
11. طوسی، محمد بن حسن، النهایة و نکتها، ج 1، مقدمه ی آقا بزرگ تهرانی، ص 14
12. شیخ طوسی، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، ص 183
13. شیخ طوسی، تلخیص الشافی، ج 1، ص 71
14. شیخ طوسی، مقدمه التبیان، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت
15. دوانی، هزاره شیخ، ص 23
16. مقدمه التبیان، تألیف حاج آقا بزرگ تهرانی
17. مقاله شیخ آقا بزرگ تهرانی به نقل از مقدمه ترجمه الغیبه شیخ طوسی (به نام تحفه قدسی)